

. لطفا این سوال رو رو سایت بگذارید تا بقیه خانوم هایی که مطمئن هستیم با من هم نظرند

این سوال رو ببینند.

شماره پرسش: ۵۵۷۹

تاریخ ارسال پرسش: ۱۳۹۲/۶/۴ ۰۵:۰۰:۰۰

متن پرسش

سلام استاد، البته من در موضع چنین امتحانی قرار ندارم خدا رو شکر. ولی خیلی بابت جواب های اخیری که شما بابت زن دوم دادین ناراحت شدم. یعنی واقعا اگه یک زنی قبل از ازدواج با همسرش شرط کنه که اولین و آخرین همسر او باشه، باز هم اون مرد می تونه بره زن دوم بگیره؟ استاد چرا اینقدر غیرواقعی صحبت می فرمایید. خودتون میگید اگر واقعا تکلیف مرد باشه که یک زن دیگه رو از بی شوهری در بیاره. خب این همه مردای مجردی هستن که پول ندارن ازدواج کنن، هرکس میخواد ازدواج مجدد کنه بره مردهایی رو سر و سامون بده که به خاطر بی پولی به گناه می افتند. من کسی رو می شناسم که سال گذشته به خاطر کمتر از ده میلیون نتونست ازدواج کنه !!! به نظر من شما و هم چنین مراجعی که زن دوم را برای مرد حلال می دانید - در زمانه امروزی - ، به هیچ وجه متوجه شرایط زمانه نیستید. الان نه جنگ است که تعداد مردها کم باشد نه ... ضمن این که ازدواج مجدد به هیچ وجه با روحیه ی هیچ زن امروزی در این منطقه سازگاری نداره. متأسفم برای افرادی مثل شما که مجوز شرعی ازدواج دوم را به مردان هوس بازی که شرع رو ابزار ارضای شهوت تنوع گرای خود می کنند می دهید. متأسفم برای کسانی که فقه فقه ندارند. یعنی علمی به فقه خود ندارند. متأسفم برای مراجع تقلیدی که با نگاه غیر زمان شناسانه به آیات و روایات و دیگر منابع احکام شرعی ، می نگرند بسیار بسیار متأسفم. خدا لعنت کند مردانی رو که به زن خودشون رحم نمی کنن. فقط می ماند یک حالت. اون هم حالتی که زن مشکلی داره که مثلا بچه دار نمی شه. این حالت هم اگه قبل از ازدواج مرد می دونسته که نباید باهاش ازدواج می کرد که حالا ولش کنه. و اگه این مشکل قبل از ازدواج مکشوف نبوده، مرد باید خودش رو بذاره جای زن ، خود مردها دوست دارن اگه مشکلی دارن ، زنشون ازشون طلاق بگیره و مجددا ازدواج کنه!! من سال های زیادیه که کتاب های شما رو می خونم اما به هیچ وجه اسلامی را که زن دوم را حلال می داند قبول ندارم. مگر در شرایط خیلی خیلی نادر که تقریبا در کشور ما صفر است. استاد یک نکته ی خیلی مهمی رو خدمتتو عرض کنم و شاهد بگیرم برای این ادعا که تک همسری با تکوین زن امروز سازگار است. اگر لازم می دونید بفرمایید تا آدرس فیلم رو بگم، چند تا فیلم کوتاه و واقعی هست از خانوم های خارجی و بیشتر اروپایی که نیمه عربیان با همسرشون توی خیابون راه می رن ، به محض این که شوهر ناخواسته ، قسمت های مخفی تر زن دیگه ای رو ببینه ، زن به شوهرش حمله می کنه و گاهی به او آسیب می رسونه . حالا باز ایرانی ها بهتر اند که اگر این اتفاق بیافتد ، نهایتا زن با مرد قهر می کنه ولی هرگز به مردش حمله نمی کنه.

این رو گفتم که بگم حتی زن های اروپایی ها که خودشون عریان هستند طاقت ندارن ببینن مردشون به زن عریان دیگری نگاه می کنه چه رسد به ازدواج مجدد. یعنی این اختصاص به مسلمون ها یا ایرانی ها نداره و تکوین زن معاصر این گونه است. خدا لعنت کند کسانی رو که بدون داشتن نگاه زمان شناسی، حکم به حلال بودن زن دوم می دهند. خدا لعنت کند کسانی را که گل زن را - به تعبیر پیامبر ص - پژمرده می کنند تا دیگر عطرافشانی نکنند. لطفا این سوال رو رو سایت بگذارید تا بقیه خانوم هایی که مطمئن هستیم با من هم نظرند این سوال رو ببینند. با تشکر فراوان از شما.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: با این که بنده بنا ندارم به طور مفصل وارد این موضوع شوم و تنها در آن حدی که کاربران محترم سؤال می فرمایند نظر خود را عرض می کنم، از جهت آن که گویا جنابعالی اصل موضوع را نادیده گرفته اید یادآوری می کنم عنایت داشته باشید چنانچه شرایط طوری باشد که مرد احساس وظیفه شرعی کند در زندگی بخشیدن به یک خانم به طوری که وجود مردان مجرد به هر دلیلی مشکل را مرتفع نسازد، دیگر شرط قبل از ازدواج در این مورد معنا نمی دهد زیرا شرطی است در راستای ترک واجب شرعی که به خودی خود باطل است. عرض بنده از یک جهت توجه دارد به سؤال محمدبن سنان از امام رضا «علیه السلام» که: «کتب الیه فیما کتب: وَ مِنْ عِلَلِ تَحْلِيلِ اَرْبَعِ نِسْوَةِ لِرَجُلٍ وَاحِدٍ؟» به حضرت نوشت که علل حلال بودن چهار زن برای یک مرد چیست؟ حضرت جواب دادند: «لَا تَهْنُ اَكْثَرُ مِنَ الرِّجَالِ» زیرا زنان بیشتر از مردان هستند. آیا در موقعی که چنین نباشد دیگر چنین وظیفه ای پیش می آید که می فرمایید ما فقه فقه نمی دانیم؟ مگر می توان به راحتی و به صرف هوس بازی ازدواج مجدد یا ازدواج موقت را در جامعه باب کرد در حالی که در روایت داریم: «عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطِينٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَنِ الْمُتَعَةِ قَالَ وَ مَا أَنْتَ وَ ذَاكَ وَ قَدْ أَعْنَاكَ اللَّهُ عَنْهَا» حضرت در جواب فرمودند: تو را با آن چکار است؟ با آنکه دارای همسر دائمی هستی و خداوند تو را از ازدواج موقت بی نیاز ساخته است. پس نباید موضوع را یک طرفه تمام کرد و این را نیز عنایت داشته باشید باید بین «طبع» با «فطرت» تفکیک کرد، همان طور که بعضی از امیال می تواند مطابق طبع انسان باشد ولی مطابق فطرت تعالی طلب انسان نیست می تواند بعضی از حرکات مخالف طبع انسان باشد ولی مخالف فطرت تعالی طلب انسان نباشد و انسان با عبور از «طبع» می تواند به مقام کلی تر و وسیع خود که حیات فطری است برسد. با این همه وقتی کارشناسان خطر آینده ی کشور ما را پیرشدن جامعه می دانند و این را خطری حتی بزرگ تر از مشکلی که جنگ برای ما به بار آورد پیش بینی می کنند و تأکید مقام معظم رهبری در تلاش برای تولد فرزندان بیشتر است و خداوند نیز دختران و زنانی را پروریده است که در صورت ازدواج با آن ها این مشکل برطرف می شود، آیا نباید در این مورد هم تأمل نمود؟ موفق باشید